

سبقت‌گویی و بزرگویری علیه السلام

پیامبر بزرگوار اسلام در سال دهم هجرت و در ایام پایانی رسالت خویش همسفران آخرین حج خود را در صحرائی جحفه بر کنار غدیر خم گرد آورد تا بار دیگر پیام روشن خود در زمینه گزینش الهی علی علیه السلام بر جانشینی خویش را به اطلاع مردم برساند. او چنین کرده و با آشکاری تمام، این پیام را به مردم رساند. پیامی که ابلاغش دین را کامل، نعمت را تمام و اسلام را دین مورد رضایت پروردگار نمود. آن سان که از خطبه غدیر بر می آمد پیامبر به علت کمی مومنان و زیادی منافقان و کافران از خدای خویش درخواست می کرد تا او را از این ابلاغ معاف نماید. اما لحن کوبنده آیه "ابلاغ" که از یک سو وی را مامور به این پیام رسانی نموده و از سوی دیگر هشدار می داد که اگر چنین نکند گویی اساساً رسالت خداوندی را به مردم نرسانده است، سبب شد تا حضرتش از خلق نهراسد و چنان کند تا گزارشگران غدیر شرح حال کامل آن را در نوشته های خود آورده اند.

پیام غدیر، پیام امامت و ولایت است. رشته ای که در ادامه رسالت پیامبر عهده دار ارثه و ترویج و پاسداری از حریم اعتقادات اسلامی است. محور آغازین آن علی علیه السلام و محور امروزین آن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد که در خطبه غدیر پیامبر به زیبایی طرح گردیده است. به راستی آنجا که پیامبر با تمامی علو شان خویش آن چنان عمل کرده است و خدای رسول، رسول خود را از ابلاغ چنین رسالتی - با تمام مشکلات و موانع موجود - معاف ننموده، آیا امروزه می توان به آسانی از کنار این اعتقاد اساسی و اصل گذر نموده، گاهی بر بساط معامله و مصلحت اندیشی نشسته و دیگر گاه سنگرهای فتح شده را یکی پس از دیگری واگذار نمود و به بهانه های گوناگون راه بی توجهی، سست عنصری، عافیت طلبی و منفعت جویی را پیش گرفت؟

از این رو آن رسالتی که در این روزگاران بر عهده خطیب در مسند خط به نهاده شده است که با سخنانی شیوا، منطقی به دور از غوغا سازی با مقاومت و استواری، گرد و غبار از چهره این اعتقاد زدوده با شفافیت تمام سخن از اصالتهای اعتقادی و باورهای محکم شیعی در میان آورد و روشن نماید که سخن از غدیر و مبعوث آن نه کاری بی حاصل و ناروا، چون نبش قبر تاریخی استف بلکه ارثه چهره واقعی اسلام و در یک کلام جامع "اسلام امامت" است که این کاری بس بزرگ و رسالتی بس خطیر است.

سخنران باید بکوشد تا این باور در ذهن ها و عمق جان ها جای گیرد که سخن از غدیر نه تنها سخن از برهه ای از تاریخ است که شتابزده و زودگذر در میان آمده و بعد هم به فراموشی سپرده شود. بلکه گفتگو پیرامون دین مورد پسند خداوندی است که اگر می خواهیم در شما دین باوران واقعی جای گیریم باید پای بند پیام و عهد غدیر باشیم. سخنران با پرداختن به خطبه غدیر و بهره گیری از روش پیامبر در ایراد این خطبه - که اتکاء به آیات فراوانی از قرآن مجید می باشد - باید نشان دهد که امامت علی علیه السلام و فرزندان معصومش ریشه در کتاب خدا دارد و به اصطلاح "منصوص" است. آن هم به نص جلی یعنی آشکار آشکار و روشن روشن. البته "لمن کان له قلب او القی السمع".

او با الهام از این سبک پیامبر باید نشان دهد که جمله "حسبنا کتاب الله" از ناحیه هر کس و با هر عقیده که گفته شد، شعاری به دور از عمل است که اگر واقعیت داشت همان دو سوره از قرآن مجید، ۵۸ آیه از قرآن و چه بسیار مقطعاتی از آیات دیگر قرآن که در خطبه غدیر به چشم می آید کافی بود تا گوینده آن کلام را به خود آورد و دریابد که ولایت علی علیه السلام برخاسته از عمق کتاب الهی است و خاستگاه آن قرآن مجید می باشد.

سخنران در فرصتی که در غدیر به او داده می شود باید پیش از آنکه با احساس و عاطفه مستمع خود در این مقوله سخن بگوید، بکوشد تا رشته عقل و منطق سلیم را در او استوار سازد به طوری که شنونده دریابد که غدیر "عید الله اکبر" است و این بدان معنی است که باید مبعوث آن را گرامی داشت و ضمن برپایی جشن و سرور و شادی و شادمانی کوشید تا ابعاد مختلف این اندیشه در دلها ریشه گیرد و پایه و مایه یابد، روشن نماید و روشنی به بار آورد.

سخنران اگر این رسالت را به انجام رساند آن وقت می بیند که پای در جای پای پیامبر صلی الله علیه و اله خود نهاده و سخن از حقیقتی در میان آورده که پیامبرش بر آن پای می فشرده است، آن سان که کارنامه درخشان ۲۳ ساله دوران رسالتش گویای این واقعیت است.

سخنران اگر با ورق زدن تاریخ نشان دهد تنها با گذشت ۷۰ روز از غدیر و به دنبال رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله ورق آن چنان برگشت که بر مبعوث غدیر آن گذشت که گفتنی نیست آن وقت است که در پناه طرح مستند و متین آن حوادث، ضمن مردم شناسی ویژه ای که از آن دوران به دست می دهد، نشان خواهد داد که چه شد تا کودتای سفید سقیفه به سرعت توانست پیام غدیر را پایمال نماید و مبعوث غدیر را دست بسته به مسجد بکشاند و اینها نه گزارشات تاریخی شیعیان از آن برهه تاریخ است که ابن ابی الحدیدها، ابن قتیبه دنیوریها، جرج جرداقها، عبد الفتاح عبد المقصودها و و دیگر سنیان منصف از آن جریانات گزارش کرده اند.

و خلاصه اینکه رسالت سخنران، در غدیر آن است که ضمن بسنده نکردن به محفوظات خود و قانع نبودن به حرکت در سطح و میان سخنان تکراری بکوشد تا با ارائه طرحی نو در موضوع غدیر مسئله را از یک اختلاف عقیده ساده و مربوط به گذشته ایام به در آورد، بی توجهی به آن را زیر پوشش شعارهای فریبنده وحدت گرایی که طرح می شود، گناهی نا بخشودنی بداند و همانطور که امام علی علیه السلام در آغازین روز خلافت خویش پس از یک دوره پر رنج و درد انزوای ۲۵ ساله و مراد "الان اذ رجع الحق الی اهله و نقل الی منتقله" او نیز نشان دهد که پشت کردن به غدیر پشت کردن به اسلام قرآن و حق روشن و مسلم است که هرگز بر یک مسلمان دین باور، روا نمی باشد و واگذاری پیام غدیر، وارهانیدن تمام اسلام و مسلمانی است که به یقین جایز نمی باشد.

به این امید که تعهد و پایمردی سخنران در این مقوله به کمک خلوص نیت و باور قطعی او و نیز قلب سرشار از مهر علی علیه السلام و اولاد پاکش سبب شود تا این حقیقت مملو زنده و متلأل باقی بماند و تا جهان برپاست این شعار شیعه در غدیر نیز در فضایی گیتی طنین انداز باشد که:

"الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه علي بن ابي طالب و اولاده المعصومين عليهم السلام"

و هم ما قدردان این نعمت الهی باشیم که به حریم این اعتقاد راه یافته و بر این آستان بار یافته ایم که "و ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله".

